

میرعبدالواسع هانسوی و شرح مثنوی یوسف و زلیخا

♦ عتیق الرحمن

میرعبدالواسع هانسوی منسوب به روستای هانس در منطقه حصار در ایالت هریانه است. اکنون هریانه یکی از ایالت‌های مستقل در کشور هند و شامل بخش‌های ذیل است: انباله، بهیوانی، حصار، روبک، سونی‌پت، کرنال، گورگاؤن مهندرگره. در این ایالت زبان پنجابی، راجستهانی و لهجه میواتی صحبت می‌شود.^۱

عبدالواسع هانسوی متخلص به خالص، و ملقب به مسیح‌الزمان بود.^۲ در نیمه دوم سده دهم و نیمه اول سده دوازدهم هجری زندگی کرد، او ادیب و شاعری فارسی‌گو بود، و در روزگار امپراتوری اورنگ‌زیب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۸ق / ۱۶۵۸-۱۷۰۷م)^۳ می‌زیست. هانسوی کتاب‌های متعددی به زبان فارسی نوشت. زبان عربی و فارسی هر دو را بلد بود، و به علم صرف و نحو نیز علاقه داشت.

هانسوی به عنوان یک لغت‌نویس مهم و شارح بزرگ آن‌دوره شناخته می‌شود، تألیفات او برای تفهیم و تدریس زبان فارسی نوشته شده است.

هانسوی مخصوصاً آن دسته از کتاب‌ها را بیشتر مورد توجه قرار داد که در شبه‌قاره شامل متون درسی بود. او شروح آن متون را نگاشت، و برای یاد دادن قواعد

♦ استادپار فارسی، بخش عربی، فارسی، اردو و مطالعات اسلامی، بهاشا بهون، دانشگاه وشوابهاری،

شانتی نکیتن، بنگال غربی، هند. atiqura044@gmail.com

۱. مقالات حافظ محمود شیرانی، ۴۳۶/۹.

۲. همان، ۳۹۵/۱.

۳. ادب نامه فارسی در ادب شبه قاره، ص ۱۷۴۰.

زبان فارسی رسائل مهمی نوشت، که در شبه‌قاره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. متون درسی که هانسوی ترتیب داده بود در مدرسه‌های پنجاب با ذوق تدریس می‌شده است.^۱

مؤلف تذکره روز روشن، مولوی مظفر حسین صبا در باره هانسوی چنین آورده است:

«خالص تخلص عبدالواسع هانسوی، وطنش هانسی از شهرهای حصار، در علم فارسی مهارتی کامل داشت، رساله در صرف و نحو و بلاغت و عروض فارسی از وی یادگار است. از اوست:

روز محشر آفت جان من است	این عمل کامروز شایان من است
وقت فرصت ای دریغ از دست رفت	من به خواب افتاده ماندم مست و رفت
خواب غفلت تا به کی؟ بیدار شو	خالص ای مست سخن هشیار شو
نسخه‌ای دلکش‌تر از صد بوستان	شد پی تفریح طبع دوستان
نسخه مقبول دستورالعمل	جامع صد گونه فیض ازل
کردم اندر قید لفظ پوچ چند	نی، غلط گفتم، مضامین بلند
خود غلط بود آنچه من پنداشتم ^۲	منشأ فخر خودش انگاشتم

آثار هانسوی

آثار هانسوی که در دست است، در ذیل ذکر می‌شود:

۱. شرح سکندرنامه

شرح بخش اول سکندرنامه است که به سبب مرگ هانسوی ناتمام مانده، و بعدها در ۱۱۳۸ق یکی از شاگردانش با همکاری وحید بن برهان‌الدین، آن را به انجام رساند.^۳

۲. شرح بوستان

نسخه‌های موزه ملی پاکستان در کراچی به شماره‌های ۱۰-۵۲۸-M. N. و ۱۸۶-۱۹۶۸

۱. مقالات حافظ محمود شیرانی، ۱۲۲/۲.

۲. تذکره روز روشن، ص ۲۳۶.

۳. دانش ادب فارسی در شبه قاره، ۱۷۴۱

M.N و N.M.۱۹۷۵-۶۵۵/۵۸ و N.M.۱۹۷۵-۶۶۵۸ و 211' -N.M.1976 و کتابخانه گنج‌بخش
به شماره‌های ۶۵۸، ۲۱۱، ۱۴۲۳، ۲۰۸)^۱

۳. رساله دستور زبان فارسی

این رساله در منابع متعدد به نام‌های مختلف مانند لغت فارسی، قواعد فارسی، دستورالعمل، دستور القدسی، مختصر القواعد و دستور زبان، یادشده و عنوان زبان در لکهنؤ (۱۳۰۵ ق) و کانپور (۱۲۸۲ق / ۱۸۷۹م) و لاهور (۱۸۰۲م) و با عنوان گرامر فارسی در لکهنؤ و با نام مختصر القواعد در لکهنؤ (۱۸۸۰م) به چاپ رسیده است.

۴. رساله قواعد

این رساله در باره قواعد دستور زبان فارسی نوشته شد، و مورد قبولیت عامه قرار گرفت. غیر از نسخه‌های خطی، این رساله چندین بار به چاپ رسیده است.^۲ هانسوی این رساله را در ۱۱۰۱ قمری (۱۶۸۹-۹۰م) نوشت.^۳

۵. رساله دستورالعمل

عبدالواسع هانسوی در رساله دستورالعمل یک شعر امیر خسرو دهلوی را آورده است:

از چل چل تو کار من زار شد کچل من خود نمی‌چلم تو اگر می‌چلی بچل^۴

۶. منظومه صمد باری یا نصاب صمد باری یا فارسی‌نامه^۵

هانسوی این رساله منظوم را برای کودکان نوشت که به نام صمد باری شهرت دارد. وی در این اثر کلمات عربی و مترادفات زبان‌های بومی آن‌ها را ذکر کرده، و این رساله چندین بار چاپ شده است. بعضی‌ها همین رساله را به نام «جان بجهانم» نیز می‌شناسند.^۶ این رساله به زبان (عربی، فارسی و هندی) نوشته شده، و به این سبب «سه» «سه نصاب» نیز خواننده می‌شود. ترتیب کتاب از این نظر منحصر بفرد است، که

۱. شرح اشعار فهم و دشوار بوستان سعدی (منزوی ۵۷۸/۷)

۲. منزوی، ۱۳: ۲۴۶۲، عارف نوشاهی، ۹۲۳/۲

۳. فارسی ادب به هند اورنگ‌زیب، ص ۵۵۱.

۴. مقالات حافظ محمود شیرانی، ۳۹۵/۱.

۵. کراچی، نسخه موزه ملی پاکستان، به شماره ۱۰۵۳/۳-۱۹۵۸ (N.M).

۶. مقالات حافظ محمود شیرانی، ۳۷۷/۹

کلمات تحت عناوین مستقل از جمله اعضای بدن انسانی، گندم، سبزی، میوه‌ها ادویه و غیرهم آمده است، و در پایان مصادر معروف نیز درج است. رساله با حمد باری تعالی شروع می‌شود، و به همین علت «صمد باری» نام دارد.

۷. غرائب اللغات^۱

فرهنگ‌نامه هندی فارسی است از عبدالواسع هانسوی با غرائب اللغات، فرهنگ کلمات هندی است که در لغت فارسی به آسانی یافته نمی‌شود. سال تألیف غرائب اللغات معلوم نیست^۲، اما به گمان غالب در قرن یازدهم هجری نوشته شده است. بنابراین نخستین فرهنگ اردو قراردادده می‌شود^۳.

هانسوی در دیباچه غرائب هدف نگارش این کتاب را مطرح می‌کند:

«هرچند این هیچ‌مدان را لیاقت ترتیب و قابلیت نبوده، لیکن کثرت الحاح جمع کثیر از اصحاب و فرط افتراح جم غفیر اولی الالباب باعث برآن شد که اسماء موفوره و الفاظ غیرمأنوسه معانی بین الانام مذکوره را به عبارات واضحه و اشارات لائحه بیان نماید، تا فائده آن عام و نفع آن تام باشد»^۴.

۸. نام حق

این دفتر منظوم مشتمل بر فقه حنفی، مقبولیت عامه داشته است. (اسلام‌آباد، نسخه کتاب‌خانه گنج‌بخش به شماره ۳۲۰۴).

۹. دیوان شعر^۵

ادیبان و شاعران هم‌عصر عبدالواسع هانسوی

۱. میرسید غلام‌علی آزاد بلگرامی: حسان الهند میرسید غلام آزاد بلگرامی فرزند سید نوح حسینی از نسل زید شهید است، تولد او در بلگرام در بیست‌وپنجم صفر

۱. کراچی، نسخه موزه ملی پاکستان، به شماره ۹۴۵/۳ - ۱۹۵۷ N.M.

۲. مقالات حافظ محمود شیرانی، ۳۶۰/۲

۳. نوادر الفاظ، مقدمه، ص ۳.

۴. همان، ص ۴.

۵. دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، ۱۷۴۰.

به روز یکشنبه ۱۱۱۶ هجری اتفاق افتاد. مرید شاه لطف‌الله بلگرامی بود. صاحب تصانیف کثیره، سخن تازی را به طرز خاص ادا می‌کرد. قصاید بی‌شمار در مدح حضرت پیغمبر علیه‌السلام نوشت، به همین دلیل او را لقب «حسان الهند» دادند. در سال ۱۲۰۰ هجری فوت شد. آثار فارسی او عبارتند از: ید بیضا، سرو آزاد، خزانه عامره، روضه‌الاولیا، مآثرالکرام، دیوان فارسی، سند السادات فی حسن خاتمه السادات، مظهر البرکات و سبعة سیاره.

۲. فقیرالله آفرین: نامش فقیرالله است. در لاهور متولد شد. اصلش از قبیله جوئی، شعبه قوم گجرات است. از شعرای عهد عالمگیر پادشاه بود، و تا سال بیست‌وسوم جلوس محمدشاه پادشاه در عرصه حیات بود. سه مثنوی دارد: ابجد فکر، انبان، هیر رانجه. در رمل نیز دستی داشت، و در سال ۱۱۵۴ ق در لاهور بدرود حیات گفت.

۳. امیدعلی خان قزلباش: قزلباش خان همدانی محمدرضا نام داشت، از همدان به اصفهان آمد. شاگرد میرزا طاهر وحید است، و در عهد عالمگیر به هندوستان رسید. در زمان شاه عالم بهادرشاه بهی خطاب قزلباش خان و جاگیر ممتاز گردید، و رفته‌رفته به آصف‌جاه پیوست، و حج بیت‌الله برآورد، و فاتش در دهلی در ۱۱۵۹ ق اتفاق افتاد.

۴. شیخ حفیظ‌الله آثم اکبرآبادی: از اقربای خان آرزو بود. مدتی به ملازمت محمد اعظم شاه بن عالمگیر بخوبی گذرانید. بعد از هلاکت اعظم‌شاه در خدمت نواب صمصام‌الدوله خان درآمد، در سال ۱۱۵۲ ق رخت از جهان بریست.

۵. میرغلام‌علی احسنی: شاگرد حاجی محمد اسلم سالم بود، و در خدمت امیرخان صوبه‌دار تنهه بود. او و خان آرزو و میرزا حاتم‌بیگ حاتم، و میان‌علی عظیم با هم بودند، و در سال ۱۱۵۰ ق به رحمت حق پیوست.

۶. شرف‌الدین علی پیام: اصلش از اکبرآباد است، در فنون شعری مهارت شایسته و به نغزگویی لیاقت بایسته داشت. از شاگردان خان آرزو بود، در سال هزار و صد و چهل و چند به عالم جاودانی شتافت.

۷. آنند رام مخلص: از قوم کشتریان بود. مخلص به دربار پادشاهی به و کالت اعتمادالدوله قمرالدین خان، وزیر محمدشاه پادشاه و سیف‌الدوله عبدالصمدخان ناظم صوبه لاهور و ملتان مأمور بوده، و به خطاب رای رایان سرفرازی داشته است.
۸. محمد عطاءالله عطا: از ساکنان امروجه، مرادآباد بود، در عهد محمدشاهی به خطاب «خان» سرفرازی یافت. از شاگردان میر عبدالقادر بیدل بود. در سال ۱۱۳۶ق در دارالخلافة دهلی به رحمت حق پیوست.
۹. خواجه میر درد: فرزند خواجه محمدناصر، از حضار حضرت خواجه سید بهاءالدین نقشبندی. در تصوف چند رساله دارد، از آن جمله: ناله درد آه سرد، تبیان طرق معرفت. درد، در سال ۱۱۹۹ق وفات یافت.
۱۰. احسن‌الله خان رازی: کشمیری‌الاصل و از برادران قاضی‌خان کشمیر است. در عهد محمدشاه «فصاحت‌خان» خطاب یافت. از منصب‌داران صلابت‌خان سید تخلص بود. شاگرد میرزا عبدالغنی بیگ قبول بود.
۱۱. میرزا محمد افضل سرخوش: پسر دوم محمد زاهد میر سامان عبدالله خان است، او در سال ۱۰۵۰-۱۰۴۹ به دنیا آمد. در اوایل پیش منعم حکاک مشق سخن می‌کرد، و بعد از آن به خدمت «ماهر» پیوست. در سال ۱۱۲۷ق وفات یافت. صاحب چند تصنیف است: مثنوی نورعلی نور، حسن و عشق، قضا و قدر، در نثر «جوش و خروش» و تذکره شعرا موسوم به «کلمات الشعراء» و دیوان شعر.
۱۲. زاهدعلی خان سخا: از شعرای عمده ایران در عهد محمدشاهی به هندوستان رفته پنج‌هزاری داشت، در سال ۱۱۶۴ق به دست زنش و رفیق او مسموم گردید.
۱۳. میرعبدالصمد سخن: میرعبدالصمد سخن از سادات ایران بود، تخلص سخن را میرزا عبدالقادر بیدل به او بخشیده بود. خان آرزو چندگاه مشق شعر از نظر ایشان گذرانید، در سال ۱۱۴۱ق درگذشت.
۱۴. شیخ حسین شهرت: اصلش از عرب است. آبای او در شیراز توطن اختیار کرده بودند. وی به هندوستان رسید، و در خدمت محمد اعظم‌شاه می‌بود. در حکمت و طبابت نیز دستی داشت. در زمان محمد فرخ‌سیر به خطاب حکیم‌الملک سرفرازی

- داشت. با میرزا بیدل و خواجه محمد اسلم سالم هم‌مشق بود. در سال ۱۱۴۹ق در شاه‌جهان‌آباد درگذشت.
۱۵. میان‌علی عظیم: پسر میان ناصرعلی سرهندی، شاعر معتبر است. در عهد سلطنت محمدشاه پادشاه بود. در سال ۱۲۰۰ق راه پیمود. با خان آرزو تا مدت چهل سال آشنایی داشت.
۱۶. میر عبدالجلیل بلگرامی واسطی: به تاریخ سیزدهم شوال ۱۰۷۱ق در بلگرام به دنیا آمد. اسم پدرش میرسید احمد است. شاگرد بلگرامی بود. اشعار عربی و فارسی و ترکی و هندی می‌گفت، و فاتش ۲۳ ربیع‌الآخر در سال ۱۱۳۸ق در دهلی رخداد، و نعش او را به بلگرام برده، در محمودباغ دفن کردند.
۱۷. شیخ سعدالله گلشن: در برهان‌پور به دنیا آمد. از احمدآباد گجرات است. بعد از استیلای اکبر بادشاه بر گجرات، یکی از اجدادش به برهان‌پور توطن گزید. در سن ۶۵سالگی در سال ۱۱۴۰ق به رحمت حق پیوست. خان آرزو در مجمع‌النفائس نوشته که اشعار خود را پیش سعدالله گلشن برای اصلاح می‌برده است.
۱۸. نظام معجز: از قوم افغان است. وطنش پشاور، شاگرد عبداللطیف خان تنها است. نهایت متورع و متقی بود، وارد بلده دهلی شد، پیروی جلال اسیر می‌کرد. در پیری از نور بصر عاجز شد، و در ۱۰۶۲ هجری فوت کرد. (نقل از علی خان، زیب‌النساء، تذکره مجمع‌النفائس از سراج‌الدین علی خان آرزو، جلد اول، ص ۱۹-۲۱)

شرح یوسف و زلیخا از عبدالواسع هانسوی، و اوضاع تاریخی داستان‌های منظوم یوسف و زلیخا

داستان جالب یوسف و زلیخا پیوسته مورد توجه شاعران و اهل ذوق و عرفان قرار گرفته است. جوانی که پیامبرزاده است و در مسیر پیامبری گام برمی‌دارد، دچار انواع مشکلات می‌شود، این مشکلات که محسود واقع‌شدن، به چاه افتادن، برده‌شدن، در معرض شهوت قرارگرفتن، زندانی‌شدن و بالآخره بار سنگین عدالت اجتماعی را بر دوش کشیدن است، از او مردی بکمال می‌سازد و چون کمال او با جمال جسمی و صوری نیز همراه است، جاذبه داستان بیشتر می‌شود. ترکیبی به این بدیعی بی‌گمان

دستمایه‌ای گرانسنگ برای ساختن مجموعه قوی و جذاب است. به‌ویژه اصول اولیه آن در کتاب تورات و قرآن کریم به شرح و بسطی جالب نقل شده است. با نگاهی به تاریخ ادبیات اسلام و ایران درمی‌یابیم که شعرای عرب، ترک، ایرانی و شبه‌قاره قدرت طبع خود را در این زمینه آزموده‌اند که ما برای پیشگری از طولانی‌تر شدن سخن، فقط به چند نمونه فارسی آن اشاره می‌کنیم.

انواع مثنوی‌ها از جمله مختلف زیراند:

مثنوی‌های رزمی: مثل شاهنامه از فردوسی؛

مثنوی‌های بزمیه: مثل خسرو و شیرین از نظامی گنجوی؛

مثنوی‌های داستانی: مثل هفت‌پیکر از نظامی گنجوی و هشت بهشت از امیرخسرو دهلوی؛

مثنوی‌های عرفانی: مثل مثنوی معنوی از مولانا جلال‌الدین محمد بلخی/رومی؛

مثنوی‌های اخلاقی: مثل بوستان سعدی؛

مثنوی‌هایی نیز موجود است که موضوع آنها اخلاق، فلسفه و تصوف است، مثل حدیة الحقیقة از سنایی، منطق‌الطیر از عطار، گلشن راز از شیخ محمود شبستری؛ و مثنوی‌هایی در موضوعات دیگر نیز نوشته شده است.

آسان‌ترین نوع شعر فارسی در ظاهر مثنوی است، ولی در باطن گفتنش کاری بس مشکل است. فردوسی، نظامی، مولوی، امیرخسرو، جامی و اقبال لاهوری از مشهور و معروف‌ترین مثنوی‌گویان زبان فارسی هستند.

مثنوی‌سرایی در شبه‌قاره

برخی از برترین مثنوی‌سرایان شبه‌قاره و آثارشان به قرار ذیل است:

دوره سلاطین:

امیرخسرو دهلوی: قرآن‌السعدین، مفتاح‌الفتوح، دولرانی و خضرخان، مطلع‌الانوار،

شیرین و خسرو، مجنون و لیلی، آئینه سکندری و هشت بهشت و غیرهم؛

بوعلی قلندر: کنزالاسرار، رساله عشقیه؛

حامد بن فضل‌الله جمالی: مثنوی مهر و ما، مرآة‌المعالی؛

دوره تیموریان:

عرفی شیرازی، فیضی فیاضی، غنیمت کنجاهی: نیرنگ عشق؛ میرزا اکمل بدخشی: بحرالعرفان؛

دوران معاصر:

علامه محمد اقبال: مثنوی سرای بزرگ شب قاره قرن بیستم میلادی است که نیازهای دوران خود را مورد بررسی قرار دارد، و برای بیدارکردن ملت خوابیده اسلامی مثنوی‌های بلندپایه سرود، و با بیان کردن اندیشه‌های فیلسوفانه مثنوی‌های زیبایی سرود. او در استقبال از مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی اسرار خودی، و مثنوی رموز بی‌خودی را سرود، و در مثنوی‌های خود مطالب دینی و سیاسی و اندیشه‌های عرفانی را بیان کرد.

شرح مثنوی یوسف و زلیخا از عبدالواسع هانسوی

در آن زمان، زبان اردو به حلقه‌های صوفیان و عارفان راه یافته بود، اما سنت درخشان فارسی‌نویسی هم در میان آنان رواج داشت که تألیف «شرح مثنوی یوسف و زلیخا» نشانگر این واقعیت است.

«شرح مثنوی یوسف و زلیخا» مجموعه سخنان دینی و اخلاقی و عرفان و عشقیه هانسوی است که به فارسی تألیف شده است، و نیز تحت تأثیر زبان‌های محلی قرار گرفته، و به فارسی دری نزدیک‌تر بود، نسبت به فارسی ایرانی؛ و واژگان و محاورات زنان محلی نیز در آن به وفور دیده می‌شود. به‌عنوان مثال در «شرح مثنوی یوسف و زلیخا»:

- به جای «ایشان»، «اوشان»؛
- به جای احتیاج داشتن، «درویش شدن»؛
- به جای «چگونه واقف هستید»، «کجا واقف هستید»؛
- به جای «کتابی»، «کدام کتاب» نوشته شده است.
- «خدم» (جمع خادم) به صورت «خدما» آمده است.
- و معمولاً به جای «جستجو» از ترکیب «درپی تفحص» استفاده شده است.

- مؤلف به مطابقت فعل و فاعل هم توجه زیادی نکرده است.
 - جملاتی از قبیل «من رفتیم» و «ما رفتیم» در آن فراوان است.
 - در جایی که بیان یکی از وقایع تمام می‌شود، و رخداد دیگری آغاز می‌شود، کلمه «خیریت» آمده است، تا سلسله کلام گسسته نشود.
 - واژگان محلی در این کتاب راه یافته است.
- «شرح مثنوی یوسف و زلیخا» بهترین نمونه نثر فارسی است که در قرن یازدهم و دوازدهم قمری در شبه‌قاره رواج داشت، محققان زبان فارسی می‌توانند از ویژگی‌های زبانی این کتاب استفاده کنند.
- «شرح مثنوی یوسف و زلیخا» از مولانا عبدالواسع هانسوی هنوز در پرده گمنامی است، و به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شود.

معرفی نسخه شرح یوسف و زلیخای نظامی گنجوی: از عبدالواسع هانسوی، از روزگار اورنگ‌زیب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۸ ه.ق) که گوید در مدت سی روز این گزارش را ساخته است.

آغاز: محبوب‌ترین مقالات شرح قصه ستایش جمال یوسفی است، که خاتون حجله‌نشین...
آغاز شرح:

الهی غنچه امید بگشای گلی از روضه جاوید بنمای

تمهید این فضل در استدعای حصول علم عرفان که از خلقت بنی‌آدم، بلکه از آفرینش همه به حکم کنت کنزاً... (ن. ک: نسخه‌ها ۵:۳۵۰۲، «شرح...» مخطوطات دیوبند ۲: ۲۶۰، شرح)

لاهور دانشگاه پنجاب، ۶۸۴؛ نستعلیق، سده ۱۳ هجری، آغاز برابر، نمونه ۱۱۷ ک (سید عبدالله ۲: ۳۰۴)، این نسخه در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور، زیر شمار ۵۹، ۱۲۷۷، نگهداری می‌شود.

این کتاب مهم و شرح بی‌مثل، از نظر ادبی در گنجینه ادب فارسی شبه‌قاره از اهمیت والایی برخوردار است.

منبع اصلی این شرح سوره یوسف است که در قرآن کریم آمده است. در آغاز شرح نویسنده کسب علم عرفانی را متجلی کرده، و هدف از تخلیق کائنات را با استفاده از احادیث پیامبر اسلام حضرت محمد^(ص) بیان نموده است. در ضمن شرح احادیثی که در نسخه خطی آمده به این ترتیب است:

در آغاز فصل اول، شارح می نویسد:

«در ضمن بیان ثمرات بسم الله، حدیث مبارکه را نقل می کند، حصول علم و عرفان که مقصود از خلقت بنی آدم بلکه از آفرینش همه عالم به حکم کنت کنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی الاعرف است.»

(نسخه خطی شرح مثنوی یوسف و زلیخا، از عبدالواسع هانسوی، برگ ۳ الف) شارح برای نشان دادن اهمیت کسب علم و دانش از آیات قرآنی و احادیث مبارکه سود جسته است.

رب زدنی علما؛ ای پروردگار من، به علم من بیفزای.

اطلبوا العلم و لو کان بالصین (البته این حدیث در کتب صحاح سته درج نیست)

(نسخه خطی شرح مثنوی یوسف و زلیخا، برگ ۳ الف)

هانسوی در شرح مثنوی یوسف و زلیخا، مسایل اخلاقی را بسیار اهمیت داده است، و در ضمن بیان آن ابیاتی از سعدی شیرازی، شاعر بزرگ قرن هفتم را نیز نقل کرده است. او اظهار عجز و شکسته نفسی را ستایش، و غرور و تکبر را نکوهش می کند:

همت بلند دار که در بارگاه حق باشد به قدر همت تو پایگاه تو

شیخ سعدی می گوید.

تواضع سر رفعت افزاوردت تکبر به گردن در اندازت

اهمیت معرفی و تصحیح و تدوین شرح مثنوی یوسف و زلیخا از عبدالواسع هانسوی چنان است که کتاب مجموعه هفت اورنگ حضرت مولانا عبدالرحمن جامی در مناطق هرات ادبیات فارسی را زندگی تازه ای بخشیده است.

شرح یوسف و زلیخا به توسط دیگران

اهمیت هفت اورنگ سروده خاتم‌الشعراء نورالدین عبدالرحمن جامی و جایگاه ادبی آن به اثبات رسیده است. به‌ویژه اگر جایگاه ادبی یوسف و زلیخا را بررسی کنیم، بدون هیچ شک و تردید در گنجینه ادب فارسی بی‌نظیر است. ادب دوستانی که به شرح این مثنوی پرداخته‌اند، به این ترتیب‌اند:

۱. شرح یوسف و زلیخا از میر نورالله احرار دهلوی؛
۲. شرح یوسف و زلیخا از محمدرضا ملتانی؛
۳. شرح یوسف و زلیخا از حکیم محمد ساجد بن فیض محمد جهن‌جهانوی؛
۴. شرح یوسف و زلیخا از صاحب عالم بن محمد اکرم بن محمد اعظم؛
۵. مفتاح‌المقاصد: شرح یوسف و زلیخا از ولی خنکی؛
۶. شرح یوسف و زلیخا از فیروزالدین بن حافظ‌الدین؛
۷. محبت‌نامه، شرح یوسف و زلیخا از محمد بن غلام محمد گلهوی؛
۸. تحفة‌الناظمین شرح یوسف و زلیخا از محمد سلطان؛
۹. شرح یوسف و زلیخا از مولوی نظام‌الدین راجپوت؛
۱۰. شرح یوسف و زلیخا از مخدومی مولوی نظام‌الدین راجپوت؛
۱۱. شرح یوسف و زلیخا از محمد سعد؛
۱۲. شرح یوسف و زلیخا از گل محمد؛

سریال یوسف پیغمبر علیه السلام

یوسف پیغمبر علیه‌السلام، سریالی تاریخی ساخته ایران است که در سال ۲۰۰۸م در باره زندگی پربرکت حضرت یوسف تولید شد. این سریال تاریخی از قرآن کریم، احادیث، پیغمبر و آداب و رسوم اسلامی اقتباس شده است. البته مأخذ اصل این سریال کتاب‌های اسلامی هستند. این سریال در شهرستان عمارنه، در مصر فیلمبرداری شد. این سریال مشتمل بر چهل و پنج قسمت است، و به زبان‌های انگلیسی، عربی، ترکی و اردو ترجمه شده است.

منابع

۱. آزاد بلگرامی، غلام علی، (۱۹۷۱م) خزانہ عامرہ، نول کشور، کانپور، ہند.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶ش) مقدمہ ابن خلدون، ترجمہ محمد پروین گنابادی، تہران.
۳. احسان معتقد، محمد (۱۳۶۶ش) سعدی چہ می گوید، چاپخانہ شرکت مطبوعات، تہران.
۴. احمد علی، آغا مولوی (۱۸۷۳) ہفت آسمان، ایشیاتک سوسائٹی آف بنگال، کلکتہ، ہند.
۵. اقبال صلاح الدین، محمد (۱۹۶۲) تذکرہ خواجہ گیسو دراز، کراچی، پاکستان.
۶. اقبال، علامہ محمد (۱۹۷۸م) کلیات فارسی، غلام علی پبلیشرز، لاہور، پاکستان.
۷. بقائی، محمد (۱۳۸۸ق) کلیات فارسی علامہ اقبال، کتابخانہ ملی ایران، تہران.
۸. المؤید، دہستانی حسین بن الحسین، جامع الحکایات، ترجمہ فرج بعد از شدت، تہران.
۹. امیر خسرو دہلوی، ابوالحسن یمین الدین (۱۳۳۶ش) آئینہ سکندری، با تصحیحات محمد سعید احمد فاروقی، علی گرہ، ہند.
۱۰. امیر خسرو دہلوی، (بی تا) شیرین خسرو، با مقدمہ علی احمد خان، علی گرہ، ہند.
۱۱. امیر خسرو دہلوی، (۱۳۳۷ ق) قران السعدین، بہ تنقید مولوی محمد اسماعیل میرتھی، بہ اہتمام محمد مقتدا خان شروانی، علی گرہ، ہند.
۱۲. امیر خسرو دہلوی، (مفتاح الفتوح)، بہ تصحیح شیخ عبدالرحمن، مسلم یونیورسٹی، علی گرہ، ہند.
۱۳. انوشہ، حسن (۱۳۷۵ش) دانشنامہ ادب فارسی در شبہ قارہ، انتشارات وزارت فرہنگ و ارشاد اسلامی، تہران.
۱۴. بلگرامی، محمد حسین (۱۹۶۳م) خیابان فرمان، مطبوعات جامع عثمانیہ، حیدرآباد، دکن، ہند.
۱۵. تاریخ ادبیات مسلمانان پاک و ہند، لاہور، جلد ۴، ۳ و ۵، دانشگاه پنجاب، لاہور.
۱۶. جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۵۳ش) اشعۃ اللمعات، بہ تصحیح و مقابلہ حامد ربانی، انتشارات گنجینہ، تہران، ایران.
۱۷. چشتی، خواجہ معین الدین (۱۳۰۶ق) دلیل العارفین، کانپور، ہند.
۱۸. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (بی تا) دیوان، نول کشور، لکھنؤ، ہند.
۱۹. حسین واعظ کاشفی، ملا (۱۹۱۳) اخلاق محسنی، بہ اہتمام قمرالدین، مطبوعہ قیومی، کانپور، ہند.

۲۰. صباح‌الدین عبدالرحمن (بی‌تا) بزم صوفیہ، اسلام آباد.
۲۱. صدیق شبلی، محمد ریاض، (۲۰۱۳م) فارسی ادب کی مختصرترین تاریخ، سنگ میل، لاہور.
۲۲. مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۰ش) مثنوی معنوی؛ بہ ہمت نیکلسون، انتشارات مولی، تہران، ایران.
۲۳. نظامی گنجوی (۱۳۴۳ش) دیوان کامل، با مقدمہ دکتر معین، انتشارات زرین، تہران.

